

هر وقت صحبت از کوچه و کوچه نشینی می‌شود، آدم به یاد محلات قدیم شهر می‌افتد، به یاد حضور تعدادی جوان که حالا به هر دلیلی سرکوچه جمع می‌شوند و تخمه می‌شکنند واز همه مهمتر اینکه کوچه‌نشینی آدم را به یاد زن‌های همسایه می‌اندازد که باچه شور و شوقی سبزی‌های خوردن و فورمه راهمرا با تعریف از زندگی خودشان تند تند پاک می‌کنند و آن قدر صحبت می‌کنند که نمی‌دانند سبزی‌ها کی قطعه قطعه شدند و در نهایت حرف‌های ناگفته‌ای که نتوانسته‌اند با آهنگ قطعه قطعه

یکشنبه ساعت یک بعدازظهر، کوچه .

در انتهای یکی از کوچه‌های شهر فضای سبز کوچکی بادرختان قامت کشیده دیده می‌شود، در آنجا چند نوجوان ۱۷،۱۶ساله بر روی جدولهای حاشیه فضای سبز نشسته‌اند و بایکدیگر گفت‌وگو می‌کنند. ظاهرا نوجوانان آرامی به نظر می‌رسند ولی چهره‌شان نمایانگر احساسات درونی آنان است، چهره‌ای خسته و بی‌حال که هیچ اثری از انرژی دوران نوجوانی در آن دیده نمی‌شود. در جمع این نوجوانان ، یکی بیشتر به چشم می‌آید، مهدی ! حالتی افسرده تر دارد!

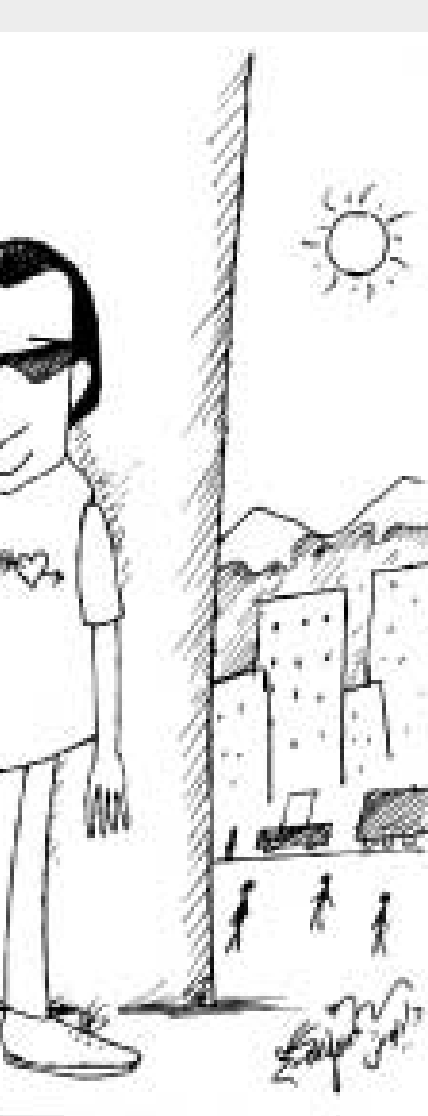
او می‌گوید: «رشته تحصیلی‌ام کار و دانش است و به همین خاطر روزهای یکشنبه مدرسه‌مان تعطیل است . امروز را هم که یک روز تعطیل بوده، غنیمت شمرده و ترجیح داده است وقتش را با دوستانش در کوچه تلف کند. از جو خانه خسته شده ، سروصدا، شلوغی ، بداخلاقی پدر و از همه مهمتر این که مهدی ادعا می‌کند که هیچ وسیله سرگرمی در خانه ندارند. نه کامپیوتر، نه آلات موسیقی، نه دستگاه ویدیو و نه ... یک تلویزیون است و یک تلفن که اجازه استفاده از آنها نیز محدودیت دارد. او می‌گوید: «پدرش گفته است توان تهیه چنین چیزهایی را ندارد و اگر هم داشته باشد هرگز حاضر به جوابگویی به خواسته‌های بلند پروازانه مهدی نیست ، همین که خرج مدرسه‌اش را می‌دهد برایش کافی است. مهدی که این حرفها را با فاصله‌گیری از دوستانش می‌گوید، ادامه می‌دهد: آدم اگر پول داشت یک روز تعطیلیش را کلاس می‌رفت، کلاسهای مختلف، چه آموزشی، چه تفریحی. شما خودتان بگویید چکار کنم !؟

تازه خانواده‌ام با کوچه آمدنم نیز مخالفت می‌کنند و می‌گویند: می‌روی کوچه می‌نشینی که چه شود، به هم چه می‌گویید، چقدر حرف دارید، کوچه نشینی عاقبت خوشی ندارد هر که به راه خلاف رفته از همین پارکها و از همین کوچه‌ها بوده است .

می‌گویم : دنیای نوجوانان و جوانان دنیای پرتلهایی است، مثل قرار گرفتن آدمی بر لبه پرتگاه. اگر یک نگاه اجمالی به محلات مختلف شهرهای بزرگ و کوچک کشور بیندازیم امروزه ، کوچه نشینی جوانان یک پدیده کاملا مشهود اجتماعی است که تاکنون از دید کارشناسان و جامعه‌شناسان مخفی مانده و آن را در کنار برخی معضلات اجتماعی به هیچ انگاشته‌اند. جالب اینکه وقتی با نئی چند از جامعه‌شناسان تماس گرفتیم تا در این زمینه نظرشان را جویا شویم، عنوان نمودند که تاکنون چنین موضوعی را مورد بررسی و تحقیق قرار نداده‌اند و نمی‌توانند پاسخگوی سوالات ما باشند، اما آقای قاسم قاضی، روانشناس می‌گوید: «قبل از انقلاب سازمان یونسکو ، طی تحقیقی از برخی کشورهای جهان سوم مبنی بر اینکه جوانان اوقات فراغت خود را چگونه می‌گذرانند، به این نتیجه رسیدند که جوانان کشورهای مورد نظر اغلب اوغات فراغت خود را به ورزش ،تفریح،تماشای تلویزیون و مهمانی رفتن اختصاص می‌دهند، ولی جوانان ایرانی پاسخ داده بودند : خیابان گردی می‌کنیم و در خیابان راه می‌رویم ، پاسخی که تعجب سازمان یونسکو را برانگیخته بود.»

دکتر سپهر ،جامعه شناس ، با ذکر اینکه منظور از کوچه نشینی جوانان فقط پسران می‌باشد، می‌افزاید: «این مساله خاص کشورهای جهان سومی است که بینش مردسالاری بر آنان برتری دارد ، بنابرین در این پدیده اجتماع دختران را نخواهیم داشت، اما در برخی کشورها به ویژه در شهرهای پرجمعیت شاهد اجتماع زنان هستیم که مقداری‌از کارهای منازل را در کوچه انجام می‌دهند.» وی ادامه می‌دهد : «علاوه برکشورهای مردسالار ، کوچه‌نشینی پدیده خاص کشورهای جهان سوم و کشورهای گرم جهان سوم می‌باشد؛ زیرا در این فرهنگ گرما عامل مهمی‌است تاجوانان پس از غروب آفتاب از منزل خارج شوند و با نشستن در کوچه از هوای‌خنک استفاده نمایند؛ نظیر کشورهای: ترکیه ، مراکش ،الجزایر، پاکستان، مصر و به طور کل کشورهای خاورمیانه،

هروقت صحبت از کوچه و کوچه نشینی می‌شود، آدم به یاد محلات قدیم شهر می‌افتد، به یاد حضور تعدادی جوان که حالا به هر دلیلی سرکوچه جمع می‌شوند و تخمه می‌شکنند واز همه مهمتر اینکه کوچه‌نشینی آدم را به یاد زن‌های همسایه می‌اندازد که باچه شور و شوقی سبزی‌های خوردن و فورمه راهمرا با تعریف از زندگی خودشان تند تند پاک می‌کنند و آن قدر صحبت می‌کنند که نمی‌دانند سبزی‌ها کی قطعه قطعه شدند و در نهایت حرف‌های ناگفته‌ای که نتوانسته‌اند با آهنگ قطعه قطعه



«کوچه نشینی» یا یک تفریح کم خرج

می‌گویم : دنیای نوجوانان و جوانان دنیای پرتلهایی است، مثل قرار گرفتن آدمی بر لبه پرتگاه. اگر یک نگاه اجمالی به محلات مختلف شهرهای بزرگ و کوچک کشور بیندازیم امروزه ، کوچه نشینی جوانان یک پدیده کاملا مشهود اجتماعی است که تاکنون از دید کارشناسان و جامعه‌شناسان مخفی مانده و آن را در کنار برخی معضلات اجتماعی به هیچ انگاشته‌اند. جالب اینکه وقتی با نئی چند از جامعه‌شناسان تماس گرفتیم تا در این زمینه نظرشان را جویا شویم، عنوان نمودند که تاکنون چنین موضوعی را مورد بررسی و تحقیق قرار نداده‌اند و نمی‌توانند پاسخگوی سوالات ما باشند، اما آقای قاسم قاضی، روانشناس می‌گوید: «قبل از انقلاب سازمان یونسکو ، طی تحقیقی از برخی کشورهای جهان سوم مبنی بر اینکه جوانان اوقات فراغت خود را چگونه می‌گذرانند، به این نتیجه رسیدند که جوانان کشورهای مورد نظر اغلب اوغات فراغت خود را به ورزش ،تفریح،تماشای تلویزیون و مهمانی رفتن اختصاص می‌دهند، ولی جوانان ایرانی پاسخ داده بودند : خیابان گردی می‌کنیم و در خیابان راه می‌رویم ، پاسخی که تعجب سازمان یونسکو را برانگیخته بود.»

کوچه‌نشینی که در ارتباط مستقیم با شرایط آب وهوای مناطق و فصول مختلف سال می‌باشد در ساعات خاصی از شبانه روز نمود بیشتری می‌یابد. به طور کل بین ساعت ۱۰صبح تا یک بعداز ظهر این عارضه بیشتر دیده می‌شود. بعدازظهرهای زمستان از ساعت چهار تا پنج و درتابستان و بهار نیز از ساعت پنج بعداز ظهر تایازده شب شاهد حضور جوانان در کوچه‌ها هستیم. قاضی، مدرس دانشگاه معتقد است: «کوچه‌نشینی باتعطیلی مدارس و دانشگاه ه‌اشدت می‌یابد، پس چه لزومی دارد بعداز اتمام کلاس‌ها این مراکز به طور کامل تعطیل گردند، گسترش فعالیت‌های فوق برنامه، کتابخانه ها و باشگاه‌های تفریحی- ورزشی مدارس و دانشگاه‌ها در ساعات خارج از تدریس می‌تواند محرک‌های خوبی برای جذب جوانان باشد تا خالی‌بودن اوقات فراغت آنها را به کوچه‌ها‌نکشاند.» کوچه‌نشینی در میان جوانان به شکل خرده فرهنگی در آمده است که جدایی و تکرار نمودن آن نوعی بی‌ارزشی و بی‌احترامی به گروه همسالان کوچه‌نشین تلقی می‌شود. این فرهنگ نابه‌هنگار که به عنوان یک عامل سنتی‌از گذشته‌های دور به ا رث رسیده است در دو گروه سنی نوجوانان ۱۰ الی ۱۵ سال وجوانان ۱۵ الی ۲۴ سال دیده می‌شود. دو گروه سنی با دو سطح فرهنگی متفاوت که بالطبع با توجه به مقتضیات سنی‌آن دو گروه نوع صحبت،تفریح و وقت گذرانی آنان نیز با یکدیگر متفاوت خواهد بود.

علاوه بر کشورهای مردسالار کوچه‌نشینی پدیده خاص کشورهای جهان سوم و کشورهای گرم جهان سوم می‌باشد زیرا در این فرهنگ گرما عامل مهمی‌است تاجوانان پس از غروب آفتاب از منزل خارج شوند و با نشستن در کوچه از هوای خنک استفاده نمایند نظیر کشورهای: ترکیه مراکش، الجزایر، پاکستان مصر و به طور کل کشورهای خاورمیانه

اما چگونه کوچه نشینی شکل می‌گیرد؛ دکتر سپهر نخستین مساله در این پدیده راافزایش جمعیت شهرها می‌داند و در ادامه عواملی چون «مهاجرت، بیکاری، نبود امکانات تفریحی، کوچک بودن منازل و آپارتمانها و گران بودن امکانات تفریحی‌را نیز در بروز آن دخیل می‌داند.
»

نوع فرهنگ و بینش خانواده‌ها نقش مهمی در گرایش جوانان به کوچه نشینی دارد و در کنار آن عوامل طبقاتی و مادی موجود بین اقشار جامعه منجر شده است تا کوچه‌نشینی جوانان را در تمام نقاط شهر به شکل یکجور و هماهنگ بنبینم و الزاما بتوان از آن‌به عنوان فرهنگ خاص مناطق نام برد.

شدن سبزی‌ها یکتوخت شوند. کوچه‌نشینی زنان هر چند از نگاه جامعه مرد سالار ، منظره‌ای ناخوشایند است، ولی ازدیدگاه جامعه‌شناسی نه تنها ناهنجار تلقی نمی‌شود بلکه از دید آسیب شناسی اجتماعی کوچکترین آسیبی را متوجه جامعه نخواهد کرد. زمانی که حرف‌های ردو بدل شده این تجمع زنانه تحلیل محتوا گردد، باز به همان چارچوب دنیای زنان خواهیم رسید. تجمع با هدفی که خود به خود بارسیدن به هدف بر چیده می‌شود.



«کوچه نشینی» یا یک تفریح کم خرج

می‌گویم : دنیای نوجوانان و جوانان دنیای پرتلهایی است، مثل قرار گرفتن آدمی بر لبه پرتگاه. اگر یک نگاه اجمالی به محلات مختلف شهرهای بزرگ و کوچک کشور بیندازیم امروزه ، کوچه نشینی جوانان یک پدیده کاملا مشهود اجتماعی است که تاکنون از دید کارشناسان و جامعه‌شناسان مخفی مانده و آن را در کنار برخی معضلات اجتماعی به هیچ انگاشته‌اند. جالب اینکه وقتی با نئی چند از جامعه‌شناسان تماس گرفتیم تا در این زمینه نظرشان را جویا شویم، عنوان نمودند که تاکنون چنین موضوعی را مورد بررسی و تحقیق قرار نداده‌اند و نمی‌توانند پاسخگوی سوالات ما باشند، اما آقای قاسم قاضی، روانشناس می‌گوید: «قبل از انقلاب سازمان یونسکو ، طی تحقیقی از برخی کشورهای جهان سوم مبنی بر اینکه جوانان اوقات فراغت خود را چگونه می‌گذرانند، به این نتیجه رسیدند که جوانان کشورهای مورد نظر اغلب اوغات فراغت خود را به ورزش ،تفریح،تماشای تلویزیون و مهمانی رفتن اختصاص می‌دهند، ولی جوانان ایرانی پاسخ داده بودند : خیابان گردی می‌کنیم و در خیابان راه می‌رویم ، پاسخی که تعجب سازمان یونسکو را برانگیخته بود.»

دکتر قاضی درخصوص این که چرا کوچه‌نشینی در مناطق بالای شهر نسبت به پایین شهر کمتر دیده می‌شود می‌گوید: «این مساله در وهله اول برمی‌گردد به مسائل فرهنگی و بعد به تعداد اندک فرزندان . مسائل اقتصادی، تربیتی، آموزشی و طبقاتی که در دل فرهنگ جای دارد، از عوامل کاهش کوچه‌نشینی جوانان مناطق بالای شهر می‌باشد. امکانات مادی به این جوانان فرصت اشتغالاتی چون ورزش ، استفاده اذستگاه کامپیوتر ، اینترنت و کلاس‌های آموزش زبان و موسیقی را می‌دهد ولیکن جوانان پایین شهر به دلیل ضعف اقتصادی توان تهیه چنین امکاناتی را ندارند. فقر، جمعیت زیاد، محیط و مسکن محدود و حتی فضای خانواده منجر به کوچه‌نشینی آنان می‌شود.» کوچه نشینی جوانان و نوجوانان ممکن است ظاهرا یک عمل خلاف نباشد و بتوان آن را به یک تجمع دوستانه و آرام تشبیه کرد، اما بعضا این پوشش مناسبی برای سرآغاز اعمالی است که سرانجام آن را باید در زندان‌ها جست . سپهر مدرس دانشگاه با برشمردن پیامدهای منفی کوچه‌نشینی یادآور می‌شود: «این فرهنگ مورد قبول جوانان، سرشار از پیامدهای منفی چون مشاجرات ، درگیری‌ها، اعتیاد ، احتمالا سرقت ، بدگویی و بدحرفی و مزاحمت به صورتهای گوناگون است. همچنین تجمع جوانان برسر کوچه‌ها باعث شوخی‌های بی‌موردی می‌شود که گهگاه به صورت ناسزاگویی ، تظاهر به‌عیاری و جوانمردی ، معرفت ،گذشت در راه رفیق ، دعوای دنیله‌دار و گاه به شکل خرید و فروش مواد مخدر نشان داده می‌شود.»

وی می‌افزاید: «از آنجایی‌که کوچه‌نشینی در دو گروه سنی متفاوت با گرایش‌ها و دبستگی‌های مختلفی صورت می‌گیرد، خطرات احتمالی آن بیشتر متوجه گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال می‌باشد . در این سنین با توجه به تحولات روحی - جسمی جوانان کشش به سمت اعتیاد و انحرافات جنسی شدت می‌یابد دوره‌ای که نگاه و توجه عمیق‌تری را از سوی جامعه می‌طلبد.»

جوانی دوره‌ای زودگذر است که مملو از خوشی‌ها، تلخی‌ها و مرارت‌هاست . در این دوره که زیربنای زندگی و آینده انسان ساخته می‌شود درحقیقت نطفه دوران آینده نیز بسته می‌شود از این رو جوانان با وقت گذرانی‌های بیهوده برسر کوچه‌ها و ایجاد مزاحمت و تنش‌های فیزیکی علاوه بر احساس غیرمفید بودن با تهدیدیات جدی چون اعتیاد، دوستان ناباب و جذب شدن در امکان فساد و فحشانیز مواجه هستندواین تجمعات محل مناسبی‌است برای سوءاستفاده کنندگان که به راحتی با رخنه درمیان جوانان به شناسایی آنها پرداخته تا نیروی جوانی آنان را در فعالیت‌های خانمانسوز به کار گیرند. آیا دراین وضعیت درخانه‌نشستن امن‌تر نمی‌باشد؟

دکتر قاضی در پاسخ به اینکه چگونه می‌توان جوانان را در محیط خانه‌های شلوغ و کم امکانات نگاه داشت می‌گوید: «تنها گسترش فرهنگ کتابخوانی و برنامه‌های تلویزیونی می‌تواند جوانان را در خانه نگاه

شدن سبزی‌ها یکتوخت شوند. کوچه‌نشینی زنان هر چند از نگاه جامعه مرد سالار ، منظره‌ای ناخوشایند است، ولی ازدیدگاه جامعه‌شناسی نه تنها ناهنجار تلقی نمی‌شود بلکه از دید آسیب شناسی اجتماعی کوچکترین آسیبی را متوجه جامعه نخواهد کرد. زمانی که حرف‌های ردو بدل شده این تجمع زنانه تحلیل محتوا گردد، باز به همان چارچوب دنیای زنان خواهیم رسید. تجمع با هدفی که خود به خود بارسیدن به هدف بر چیده می‌شود.



«کوچه نشینی» یا یک تفریح کم خرج

می‌گویم : دنیای نوجوانان و جوانان دنیای پرتلهایی است، مثل قرار گرفتن آدمی بر لبه پرتگاه. اگر یک نگاه اجمالی به محلات مختلف شهرهای بزرگ و کوچک کشور بیندازیم امروزه ، کوچه نشینی جوانان یک پدیده کاملا مشهود اجتماعی است که تاکنون از دید کارشناسان و جامعه‌شناسان مخفی مانده و آن را در کنار برخی معضلات اجتماعی به هیچ انگاشته‌اند. جالب اینکه وقتی با نئی چند از جامعه‌شناسان تماس گرفتیم تا در این زمینه نظرشان را جویا شویم، عنوان نمودند که تاکنون چنین موضوعی را مورد بررسی و تحقیق قرار نداده‌اند و نمی‌توانند پاسخگوی سوالات ما باشند، اما آقای قاسم قاضی، روانشناس می‌گوید: «قبل از انقلاب سازمان یونسکو ، طی تحقیقی از برخی کشورهای جهان سوم مبنی بر اینکه جوانان اوقات فراغت خود را چگونه می‌گذرانند، به این نتیجه رسیدند که جوانان کشورهای مورد نظر اغلب اوغات فراغت خود را به ورزش ،تفریح،تماشای تلویزیون و مهمانی رفتن اختصاص می‌دهند، ولی جوانان ایرانی پاسخ داده بودند : خیابان گردی می‌کنیم و در خیابان راه می‌رویم ، پاسخی که تعجب سازمان یونسکو را برانگیخته بود.»

دارد. برنامه‌های تلویزیونی باید جالب بوده وبافزایش برنامه‌های تفریحی، طنز، سرگرمی و مسابقات همه گروه‌ها را ارضا کند. به عقیده من این دو عامل می‌تواند به کوچه‌نشینی زنان نیز پایان دهد، ولی متأسفانه بعضی برنامه‌های تلویزیونی موجب دلزدگی مردم می‌شود و فرهنگ کتابخوانی نیز هنوز در کشور ما جای خود را نیافته است.» جوان و نوجوان خسته وبی‌هدف با جیبی تهی‌از پول، دل از خانه می‌کند تا شاید جوانی‌هم تیپ خود را سرکوچه بیابد و در گوشه‌ای خلوت با او گپی بزند و هرچه دل تنگش می‌خواهد بگوید؛ لاقل ایستادن سرکوچه خرجی ندارد، دو کلام حرف زدن بهایی نمی‌خواهد، زیاد زیاد هم نخواهند دست توجیب ببرند به خاطر خرید کمی تخمه و یا یک نخ سیگار است، به هر حال هر تفریحی باید یک جوری به مذاق آدم‌خوش بییابد.

گاهی دلشان می‌خواهد ادا و اصول بچه مایه دارها را در بیاورند، دور هم جمع می‌شوند، سوار ماشین و پیش به سوی مناطق با کلاس شهر.

رستوران‌های پرزرق و برق و سوسه‌شان می‌کند تا

شده و به جای آن سفره‌خانه‌های سنتی تاسیس شده است که قیمت صرف یک غذا در آنجا ده هزار تومان و حداقل سه الی چهار هزار تومان می‌باشد بنابراین گرانی اجناس و اماکن تفریحی، علمی منجر شده است تا جوانان، کوچه‌نشینی‌را یک تفریح کم هزینه و محل گفت وگویی بی‌دردسری برای خود قرار دهند.» در یک نظر اجمالی‌اگر از تجریش نامیدان راه آهن که مسیری به طول ۱۵ کیلومتر است طی‌شود به تعداد انگشتان دست مراکزی که جوانان بتوانند در آنجا ساعاتی را به سرگرمی و تفریحات سالم بپردازند، یافت نمی‌شود ولی در عوض تا چشم کار می‌کند مغازه است و مغازه .

دکتر سپهر جامعه‌شناس قشرها و طبقات می‌گوید: «ما در گذشته فرهنگ سنتی ، شهری، روستایی خود محل اجتماعات عمومی نظیر حمام های عمومی داشتیم که همسالان یک گروه در این محلها با یکدیگر ملاقات می‌کردند و مشغول صحبت و شوخی و گفت‌وگو می‌شدند؛ همچنین قهوه‌خانه های محلی و سنتی می‌توانست محل خوبی برای تجمع اهل محل ، افراد و به خصوص جوانان باشد که امروزه این مکانها از بین رفته اند و اگر هم باشد به ندرت از آنها استفاده می‌شود در حالی‌که در کشورهای اروپایی سر هر کوچه ای حداقل ۲ کافه وجود دارد که جوانان می‌توانند کمی‌از وقت خود را در آنجا سپری کنند.»

اکنون زمان آن است که به فرهنگ نابه هنجار کوچه نشینی جوانان توجه شود و راهکارهای مناسبی برای رفع آن تدارک دیده شود . قاضی، مدرس روانشناسی در دانشگاه چنین راهکارهایی را پیشنهاد می‌دهد: «ایجاد حرفه و اشتغال، افزایش فعالیتهای فرهنگی ، گسترش فرهنگ روزنامه و کتابخوانی ،

جذاب نمودن برنامه های تلویزیونی ، گسترش فعالیتهای فوق برنامه مدارس و دانشگاهها ، تشکیل انجمن های محلی برای بهبود وضعیت جوانان و احداث و تاسیس مکانهای تفریحی با هزینه‌های کم توسط شهرداری.»

دکتر سپهر نیز به عنوان یک جامعه شناس تاکید می‌کند: «دولت با سرمایه‌گذاری درمحل‌ها می‌تواند حداقل امکانات را برای جوانان تدارک ببیند ، در کشور ما بنگاه‌های خصوصی قوی نیستند و سرمایه‌های خصوصی بیشتر در اهداف سودآوری خود فعالیت می‌کنند.» وی ادامه می‌دهد : «مهمترین مساله ای که برای رفع پدیده کوچه نشینی باید ایجاد شود، اشتغال است. ایجاد کارگاه های محلی برای تولید و پرداخت پول و به طور کل فراهم سازی زمینه‌های اشتغال عالی‌ترین راهی است که باید پیش روی جوانان قرار داد. در واقع هزینه‌هایی که دولت برای دستگاه های تعزیرات ، زندانها ، نیروی انتظامی جهت رسیدگی به تخلفات جوانان

مهمترین مساله ای که برای رفع پدیده کوچه نشینی باید ایجاد شود اشتغال است. ایجاد کارگاه های محلی برای تولید و به طور کل فراهم سازی زمینه‌های اشتغال بهترین راهی است که می‌توان پیش روی جوانان قرار داد

برای تماشا هم که شده وارد شوند، امالظه‌ای بعد باچهره‌ای بهت زده برگشت می‌خورند جوانی می‌گوید: «وقتی پول نداشته باشم که مثل دیگران از پیشرفت‌ها و امکانات علمی ، فنی روز استفاده کنم ، وقتی پول ندارم تا با دوستانم حتی برای نوشیدن یک نوشیدنی‌ساده به کافه بروم ، خوب مسلما تماشای مغازه‌ها و قدم زدن در خیابان‌ها و دیدن چند آدم آن هم با تیپ‌های امروزی بیشتر راضی‌ام می‌کند.» گرانی نیز امکان تفریح را از جوانان گرفته است پس آیا کوچه‌نشستن نمی‌تواند کم هزینه‌ترین و با صرفه‌ترین تفریح روز باشد و حتی مکانی برای تبادل افکار و ایده‌ها ومحل خوبی برای ملاقات‌های دوستانه.

سپهر با اشاره به کمبود فضاهایی برای ملاقات جوانان خاطر نشان می‌کند: «در گذشته قهوه‌خانه‌های قدیمی زیادی در شهر بود که مردم از هر طبقه‌ای که بودند، می‌توانستند حداقل به صرف یک چای وارد آنجا شوند ولی الان تمام این قهوه خانه‌ها برچیده شده و به جای آن سفره‌خانه‌های سنتی تاسیس شده است که قیمت صرف یک غذا در آنجا ده هزار تومان و حداقل سه الی چهار هزار تومان می‌باشد بنابراین گرانی اجناس و اماکن تفریحی، علمی منجر شده است تا جوانان، کوچه‌نشینی‌را یک تفریح کم هزینه و محل گفت وگویی بی‌دردسری برای خود قرار دهند.» در یک نظر اجمالی‌اگر از تجریش نامیدان راه آهن که مسیری به طول ۱۵ کیلومتر است طی‌شود به تعداد انگشتان دست مراکزی که جوانان بتوانند در آنجا ساعاتی را به سرگرمی و تفریحات سالم بپردازند، یافت نمی‌شود ولی در عوض تا چشم کار می‌کند مغازه است و مغازه .

دکتر سپهر جامعه‌شناس قشرها و طبقات می‌گوید: «ما در گذشته فرهنگ سنتی ، شهری، روستایی خود محل اجتماعات عمومی نظیر حمام های عمومی داشتیم که همسالان یک گروه در این محلها با یکدیگر ملاقات می‌کردند و مشغول صحبت و شوخی و گفت‌وگو می‌شدند؛ همچنین قهوه‌خانه های محلی و سنتی می‌توانست محل خوبی برای تجمع اهل محل ، افراد و به خصوص جوانان باشد که امروزه این مکانها از بین رفته اند و اگر هم باشد به ندرت از آنها استفاده می‌شود در حالی‌که در کشورهای اروپایی سر هر کوچه ای حداقل ۲ کافه وجود دارد که جوانان می‌توانند کمی‌از وقت خود را در آنجا سپری کنند.»

اکنون زمان آن است که به فرهنگ نابه هنجار کوچه نشینی جوانان توجه شود و راهکارهای مناسبی برای رفع آن تدارک دیده شود . قاضی، مدرس روانشناسی در دانشگاه چنین راهکارهایی را پیشنهاد می‌دهد: «ایجاد حرفه و اشتغال، افزایش فعالیتهای فرهنگی ، گسترش فرهنگ روزنامه و کتابخوانی ،